



واکاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان

فرزین جواهری

(دانشجو معلم کارشناسی علوم تربیتی، آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس سنج، کردستان، ایران/
perfect1221teacher@gmail.com)

چکیده

در پژوهش حاضر به مهم‌ترین مهارت‌ها در بحث آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان روشی جدید در ایران که مورد نیاز مربیان و تسهیل‌گران فلسفه برای کودکان می‌باشد، تحت عنوان واکاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت ترکیبی (توصیفی، تحلیلی) که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است که به بررسی واکاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی پرداخته است. سوال اساسی این است که مربی فلسفه برای آموزش کودکان چه مهارت‌هایی را لازم دارد؟ نتایج حاصل نشان می‌دهد که اصلی‌ترین مهارت‌های عمومی برای مربیگری فلسفه برای کودکان، عبارتند از: تسهیل‌گر با باورهای نو، تسهیل‌گر با نگرش‌های مثبت و تسهیل‌گر منصف و نوع دوست، و همچنین برای مربیگری فلسفه برای کودکان (فبک)، پنج مهارت مورد نیاز می‌باشند که عبارت‌اند از، پای بندی به تفکر تأملی، پای بند به اصل حرکت و پیش روی در یاددهی و یادگیری، پای بندی به ایجاد رفاقت به جای رقابت، پای بندی به مسئله گشایی و یادگیری اکتشافی و مهارت پایانی، پای بندی به اصل دانش آموز محوری و یادگیری مشارکتی. همچنین کسانی که اقدام به پرورش مربی آموزش فلسفه برای کودکان می‌کنند، این مهارت‌ها را اساس کار آموزشی خود قرار داده و در انتخاب افراد اصلح و توانمند برای مربیگری فلسفه برای کودکان این مهارت‌ها را ابتدا در این افراد مورد سنجش قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، کودکان، فبک، مهارت، مربی، آموزش



مقدمه

برنامه فلسفه برای کودکان، با ایجاد فرصت کاوشگری جذاب، پیرامون موضوعاتی که ذهن کودک را درگیر خودساخته، علاوه بر پرورش قدرت تفکر و تعمق روی مسائل، منجر به تفکر تأملی، تفکر مشارکتی، احساس کفایت در تولید و پرورش ایده‌ها و مسئولیت‌پذیری اخلاقی شده و مانع از احساس حقارت کودک می‌شود. از آنجایی که در این برنامه پرسشگری پایانی ندارد، برخلاف روش‌های قدیمی، در این روش بر ارتباط بین معلم و دانش‌آموز تأکید می‌شود. ارتباطی که در آن معلم، ظرفیت‌های کودکان را برای خلاقانه و انتقادی تخمین می‌زند (هدایتی، قاندي، شفيع آبادي، و يونس، ۱۳۸۹: ۱۲۷). آدمی، برای پاسخ به درخواست‌های متنوع دنیای پیچیده عصر حاضر، نیازمند توانایی‌های بی‌شماری است. از این رو بر اساس ضرورت‌هایی که بر وی تحمیل می‌شود، سازوکارهایی، به صورت خودانگیخته یا خودساخته، در او شکل می‌گیرد که او را از سایر جانداران متمایز می‌کند. فلسفه برای کودکان نوعی فلسفه کاربردی است. هدف آن است که شاگردان را به فلسفیدن وادارد و به آن‌ها کمک کرد تا از حالت عادی به حالت اندیشمندانه، از بی‌تفاوتی به اندیشه ورزی و از تفکر معمولی به تفکر انتقادی حرکت کنند. در این روش رویکرد اکتشافی مدنظر است. کاوش جمعی و استفاده از گفت‌وگوی سقراطی به مثابه روش کار تعیین می‌شود (حاتمی، کریمی، و نوری، ۱۳۸۹: ۴؛ مهرگان، سرمدی، و مرعشی، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۳۶). فلسفه برای کودکان ترجمه عبارت لاتین «philosophy for children» است (ناجی و قاضی نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

فلسفه برای کودکان که با کوتاه نوشت «فبک» یا p4c^۱ نوشته می‌شود، عنوان برنامه‌ای است که یکی از فلاسفه معاصر به نام متیو لیپمن^۲، استاد دانشگاه مونتیکلیر^۳ آمریکا آن را طراحی کرده است. او گفت: چنانچه ذهن کودکان را درگیر مباحث فلسفی کنیم و کنج‌های طبیعی آنان را با فلسفه مرتبط سازیم، می‌توانیم از آنان متفکرانی بسازیم که بیش از پیش، نقاد، انعطاف‌پذیر و مؤثر باشند. بر همین اساس شاخه جدیدی از فلسفه متولد شد که فلسفه برای کودکان نام گرفت؛ بنابراین برنامه فلسفه برای کودکان در سال ۱۹۶۹، طراحی و اجرا شده و در دیگر کشورها نیز از آنان استقبال شد و هم اکنون در ۱۳۰ کشور جهان عملاً در جریان است (صادقی هاشم آبادی و علوی، ۱۳۹۳: ۶۲). لیپمن با اجرای این برنامه عملاً کوشید تا فلسفه را به جایگاه واقعی خویش، آن گونه که سقراط مدنظر داشت، بازگرداند. به نظر او فلسفه صرفاً ویژه بزرگسالان نیست و کودکان نیز می‌توانند آن را انجام دهند. او فلسفه را به معنای فلسفه ورزی به کاربرد؛ کاری که کودکان می‌توانند آن را انجام دهند و به طور ذاتی مستعد انجام آن هستند (قاندي، ۱۳۸۶: ۲۱-۵۰).

با توجه به اینکه امروزه دانش‌آموزان از سطح هوشی بالاتری نسبت به گذشته برخوردارند و همچنین این دوره نیز عصر ارتباطات و فناوری نام‌گرفته، دانش‌آموزان این دوره نیز از این مهم بی‌بهره نیستند. برای آموزش کودکان امروزی و فرایند تعلیم و تربیت آن‌ها باید از به روزترین روش‌های آموزشی بهره جست و در این میان نیز نباید از فلسفه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است غافل ماند که البته نیاز است به گونه‌ای مباحث فلسفی به دانش‌آموزان، آموزش داده شود که برایشان قابل فهم و درک بوده و بتوانند در ذهنشان این مباحث فراگرفته شده را تحلیل و مورد کندوکاو ذهنی قرار دهند. فلذا بهترین روش برای آموزش فلسفه به کودکان روش ابداعی نوینی به نام فلسفه برای کودکان است که از آن با نام اختصاری فبک (p4c) است. لازم است که مربیان فلسفه برای

^۱ فلسفه برای کودکان (فبک) یا فکرپروری برای کودکان یا P4C یکی از شاخه‌های آموزش فلسفه است که به پرورش قدرت استدلال و تفکر فلسفی در کودکان می‌پردازد.

^۲ - Mateo lip men

^۳ - Monte clear



کودکان با مهارت‌های عمومی و اختصاصی مربیگری فلسفه برای کودکان آشنا باشند تا بتوانند آن گونه که شایسته این نوع از آموزش فلسفه است عمل کنند. بدین جهت پژوهش ما در رابطه با ضرورت آموزش فلسفه برای کودکان است تا به کارآموزان تسهیل‌گری و مربیگری فبک ارائه شود.

مسائل فلسفی از ابتدای عصر سقراط و ارسطو جزو مباحث سنگین و سخت ذهنی برای افراد به شمار می‌رفته است. در دوره ما نیز افراد فیلسوف زیاد نبوده و با توجه به جمعیت، کماکان فیلسوفان جامعه ما همچون جمعیت رو به افزایش نیستند و افراد متخصص در این زمینه کم است. متأسفانه آموزش فلسفی اندیشیدن و تفکر فلسفی برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و عالیه نیز کاری آسان نیست. در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم فلسفه را سخت و به اصطلاح عامیانه خشک می‌نامند، حال چه برسد به آموزش فلسفه برای کودکان و همین اصل، جزو محدودیت‌های اساسی و مهم پژوهش به حساب می‌آید، چراکه اکثر متخصصین حوزه فلسفه بیشتر به آموزش فلسفه برای بزرگسالان می‌اندیشند و در آن حوزه مشغول به انجام فعالیت‌اند. روش آموزش فلسفه برای کودکان، روش آموزشی ابداعی جدیدی می‌باشد که به همین دلیل برای پژوهش حاضر جز منابع اصیل و معتبر اندکی که آن‌ها هم شامل کارهای پژوهشی و اندکی کتاب محدود در زمینه فبک (p4c)، منابع زیادی در اختیار نیست. بحث اصلی و اساسی پژوهش ارائه الگویی، حاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی برای مربیگری فلسفه کودکان است، از محدودیت‌های پژوهش این است که باید مهارت‌هایی بررسی شود که به راحتی قابلیت آموزش داشته و افرادی که قصد دارند مربی فبک (p4c) شوند به گونه‌ای این مهارت‌ها را فراگیرند و بعداً در کارگاه‌های آموزشی خود تحت عنوان فلسفه برای کودکان به اجرا در بیاورند که از نظر دانش روز گار و منطق حاکم بر افکار مردمان جامعه کنونی فاقد اعتبار نباشد.

اهداف پژوهش

هدف کلی: هدف اصلی در این پژوهش ارائه اصلی‌ترین مهارت‌های عمومی و اختصاصی برای آموزش مربیگری مربیان فلسفه برای کودکان است.

هدف‌های جزئی:

- الف) ارائه مهارت‌های عمومی ضروری در مربیگری فلسفه برای کودکان
- ب) ارائه مهارت‌های اختصاصی ضروری در مربیگری فلسفه برای کودکان

روش پژوهش

روش پژوهش به صورت ترکیبی (توصیفی، تحلیلی) که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است که به بررسی واکاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی پرداخته است. در این پژوهش با بررسی منابع به شیوه کتابخانه‌ای در خصوص مربیگری، مربیان فلسفه برای کودکان اصلی‌ترین مهارت‌های عمومی و اختصاصی را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق



هرچند در خصوص فلسفه برای کودک، کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش یافته است؛ اما به موضوع واکاوی مهارت‌های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان پرداخته نشده است و در بیشتر این نوشتارها به صورت مشترک و البته نگاه کلی به فلسفه کودک پرداخته شده است از جمله این آثار می‌توان به کتاب مژگان رشتچی (۱۳۹۴)؛ به نام «آموزش مربی فیک (۵) (اصول تسهیل‌گری و ویژگی‌های تسهیل‌گر حلقه کندوکاو)» اشاره کرد وی در کتاب خود به این نتیجه رسیده است که تسهیل‌گر فلسفه برای کودکان باید دارای دو نوع مهارت باشد: عمومی و اختصاصی که برای مهارت‌های عمومی ۴ مهارت و برای اختصاصی ۶ مهارت را ذکر می‌کند؛ که مهارت‌های عمومی عبارت‌اند از: تسهیل‌گر بیاورهای نو، تسهیل‌گر با نگرش‌های مثبت، تسهیل‌گر علاقه‌مند و تسهیل‌گر منصف و نوع‌دوست. برای مهارت‌های اختصاصی نیز: پای‌بندی به تفکر تأملی، پای‌بندی به تجربه کودکان، پای‌بندی به اصل حرکت و پیش‌روی در یاددهی و یادگیری، پای‌بند به ایجاد رفاقت به جای رقابت، پای‌بند به یادگیری اکتشافی و پای‌بندی به اصل دانش‌آموز محوری و یادگیری مشارکتی را ذکر می‌کند. کتاب «روش تدریس فلسفه و کودک»، نوشته معصومه ایمانی، فرزانه تاج‌بخش، لعلیا رحیم‌زاده (۱۳۹۴)، کتاب حاضر، با توجه به ضرورت آموزش الگوی روش تدریس خاص فلسفه و کودک برای مربیان و علاقمندان این رشته تدوین شده است و به موضوعاتی چون، تفاوت کلاس فلسفه و کودک با دیگر کلاس‌ها، ویژگی‌های مربی، محتوای آموزشی و چگونگی مهارت تدریس و ... می‌پردازد. کتاب؛ «نقد مبانی فلسفی فلسفه برای کودکان»، نوشته علی ستاری (۱۳۹۳)، نویسنده این کتاب معتقد است فلسفه برای کودکان طرفداران زیادی در ایران دارد، این برنامه همراه با عناصر سازنده‌اش در ابعاد، هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در حال گسترش در جهان بوده و در حال راهیابی به نظام‌های آموزش و پرورش جهان، از جمله ایران است. اگر چه این برنامه دارای خواص و ویژگی‌های مثبت است، ولیکن بعنوان یک برنامه نوظهور در عرصه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی در کشور ما از دیدگاه فلسفه و تربیت اسلامی مطالعه نشده و نیازمند بررسی و نقد است. از اینرو این کتاب به دنبال پرکردن خلأ مطالعاتی در زمینه یاد شده است. کتاب «کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان»، نوشته سعید ناجی؛ نویسنده بیان می‌کند شاخه‌های فلسفه برای کودکان و نوجوانان به همان میزان که این برنامه در کشورهای مختلف گسترش یافته، متنوع شده است. فلاسفه و مربیان هر کشوری تلاش کرده‌اند روش‌ها، متون و برنامه‌های درسی اولیه را با سنت‌ها و فرهنگ خود سازگار سازند و یا آنها را با مؤلفه‌های فرهنگی خود بازنویسی کنند. کتاب حاضر علاوه بر بخش ضمائم، شامل ۱۱ گفتگو است که با پیشگامان برنامه فلسفه برای کودکان انجام شده است. این افراد از کشورهای مختلفی همچون استرالیا، فرانسه، انگلستان، نروژ، دانمارک، روسیه و ایالات متحده انتخاب شده‌اند که هر کدام به پرسش‌هایی پیرامون این موضوع در عناوین مختلف پاسخ داده‌اند. کتاب «بچه‌های فیلسوف»؛ نوشته، جوانا هینس (۱۳۸۴)، ترجمه، رضا علی‌نوروزی، عبدالرسول جمشیدیان، مهرناز مهرابی کوشکی نویسنده کتاب بیان می‌کند علاقه به فلسفه در کودکان رو به افزایش است. این افزایش علاقه، مبتنی بر این باور است که فلسفه نه فقط صحبت کردن، شنیدن، خواندن و تفکر کودکان را قوی می‌کند بلکه استقلال فکر و روح آنها را تعالی می‌بخشد؛ و این همه به نفع بچه‌ها، معلمان و به طور کلی مدرسه است. این کتاب به چهار بخش تقسیم شده است: صدای کلاس، تفکر درباره تفکر، آموزش از طریق کاوشگری و گفتگو، فواید کاوشگری و گفتگوی فلسفی و کتاب‌های «غایب بزرگ مدرسه؛ کندوکاو اخلاقی» نوشته متیو لیپمن و آن مارگارت شارپ، به ترجمه روح‌الله کریمی و کتاب به «کودکان اعتماد کنیم» نوشته مهرنوش هدایتی و ... و از مقاله‌ها می‌توان به مقاله حسینی افضل السادات، حسینی سیدحسام (۱۳۹۰) به نام «بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی» اشاره کرد که نویسندگان مقاله بیان می‌کنند اگر یک نظام آموزشی بر آن است تا دانش آموختگان آن از آموزش و پرورش متوازن و متعادلی بهره‌مند شوند، طبیعی است که به برنامه‌های مناسب تربیت فلسفی، فکری و استدلالی آن نظام به طور جدی توجه شود تا



بروز خلاقیت ها و شایستگی های نهفته آنها امکان پذیر شود و این ضرورتی است که بسیاری از کشورها به آن توجه کرده اند. در حال حاضر توسعه مهارت ها و برنامه های آموزش فلسفه برای کودکان در کشورهای مختلف جهان از روند در حال رشدی برخوردار شده، و کشورهای مختلف با توجه به نیازهای آموزشی و بافت اجتماعی خود شکل خاصی از این برنامه را در کشور خود پیاده کرده اند. مقاله الهام فخرایی (۱۳۸۹) به نام "فلسفه برای کودکان گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه" نویسنده می گوید برای آموزش فراگیر فلسفه و مفاهیم فلسفی، باید از دوران کودکی آغاز کرد و عناصری را به کار گرفت که در عین جذابیت، توانایی برقراری ارتباط با هر گروه سنی، به ویژه کودکان و نوجوانان را داشته باشند. مقاله منصور مرعشی (۱۳۸۵)؛ به نام "بررسی تاثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت های استدلال دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز" وی در این مقاله برنامه درسی فلسفه برای کودکان را به منظور بررسی تاثیر این برنامه بر پرورش مهارت های استدلال دانش آموزان پایه سوم راهنمایی اجرا نمود. نتایج این پژوهش بیانگر موفقیت اجرای روش اجتماع پژوهشی در برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر پرورش مهارت های استدلالی دانش آموزان بود. مقاله "فلسفه برای کودکان از تفکر منطقی تا تجارب فلسفی" نوشته احد فرامرز قراملکی و زهرا امی (۱۳۸۴) در این مقاله عنوان شده؛ برخی صاحب نظران در ذکر تاریخچه رویکرد آموزشی p4c در بین مسلمین، به تلاش های علمی خوان الصفا که فهم آرا فلسفی حکما و کسب مهارت های تفکر منطقی را تسهیل شده در اختیار مخاطبان ویژه خود قرار می دادند اشاره می کنند. «ارتباط فلسفه با تفکر انتقادی و مهارت منطقی نزد فیلسوفان مسلمان نیز مورد توجه بوده است. نزد کسانی چون اخوان الصفا، اجتناب از خطا در تفکر و دوری از زشتی در رفتار است. دو عنصر عقلانیت و اخلاقی بودن در روی آورد لیپمن نیز مورد تأکید است» و همچنین مقاله های مقاله "تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه" نوشته مسلم قبادیان (۱۳۹۴)؛ مقاله "تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش آموزان دختر" نگارش رحیم بدری گرگری و زهرا واحدی (۱۳۹۴)؛ مقاله "فلسفه برای کودکان" نوشته محمد صادقی هاشم آبادی و سید محمد کاظم علوی (۱۳۹۳)؛ مقاله "بررسی اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به شیوه اجتماع پژوهشی در افزایش هوش هیجانی دختران دبیرستانی" نگارش هما رضایی؛ عبدالله شفیع آبادی؛ یحیی قانادی؛ علی دلاور؛ معصومه اسمعیلی (۱۳۹۲)؛ مقاله "آموزش فلسفه برای کودکان" نوشته مریم برهمن و فاطمه خدا بخشی صادق آبادی (۱۳۹۱)؛ مقاله "کتابشناسی فلسفه با برای کودکان"، نوشته سعید انواری و معصومه مصیبی (۱۳۹۱)؛ مقاله "ارتباط اجتماع پژوهشی در برنامه ی فلسفه برای کودکان با روش های تدریس فعال و مشارکتی" نوشته محسن نقدعلی و زهرا پناهی (۱۳۹۰)، مقاله "بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان در پرسش گری و تفکر انتقادی دانش آموزان پایه های سوم تا پنجم ۹ تا ۱۱ ساله - دبستان علوی شهر ورامین - ابتدایی" نوشته زهرا طباطبایی و مرضیه موسوی (۱۳۹۰)؛ مقاله "تأثیر روش اجتماع پژوهشی بر نامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت های شهروندی" نوشته طیبه ماهرزاده و شیوا رمضان پور (۱۳۹۰)؛ مقاله "بررسی تأثیر اجرای برنامه در «فلسفه برای کودکان» (p4c) در افزایش هوش هیجانی دانش آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزادی تهران در سال تحصیلی ۸۹-۸۸" نوشته حمیدرضا حاتمی، یوسف کریمی و زهرا نوری (۱۳۸۹)؛ مقاله "بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی" نوشته معصومه رمضان (۱۳۸۹)؛ مقاله "بررسی نتایج برنامه ی فلسفه برای کودکان روی مهارت های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان" نوشته سعید ناجی و پروانه قاضی نژاد (۱۳۸۶)؛ و مقاله های دیگر نیز نگارش یافته است. همان طور که ملاحظه می شود و با نگاهی اجمالی به پژوهش هایی که صورت گرفته است، تاکنون پژوهشی که به واکاوی مهارت های عمومی و اختصاصی مربیگری فلسفه برای کودکان پرداخته باشد، جز اندک مواردی صورت نگرفته است.



روش تجزیه و تحلیل پژوهش

در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل از نوع کیفی است، در این روش با بررسی موردی، اعتبار سنجی و صحت سنجی، که از تحلیل موردی منابع به دست آمده استفاده شده است.

یافته‌ها

فلسفه برای کودکان چیست و چه رابطه‌ای میان فلسفه و درجات بالاتر تفکر وجود دارد؟ سه نوع تفکری که شکل دهنده تفکر عالی هستند عبارت‌اند از: تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی. مجموعه ایده‌آلی از نسبت‌های عوامل بالا وجود ندارد؛ زیرا آن‌ها در حالت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف فرق می‌کنند. تفکر منطقی به دقت فکری زیادی نیاز دارد درحالی‌که تفکر همراه با دقت و مراقبت، تفکری است همراه با دلسوزی، علاقه و نگرانی، تفکر خلاق هم جنبه‌ای از فلسفه برای کودکان است که به حس قضاوت و تشخیص آن‌ها کمک می‌کند (mateo Lipman, 1991, p. 28). «فلسفه در مدرسه»، بحثی در حال پیشرفت درباره نظام تربیتی آینده ماست (Clinton, n.d., p. 68) این ایده می‌تواند آموزش‌های سالمی درباره اینکه فلسفه چگونه می‌تواند در کلاس‌های مدرسه، اجرا شده و این دو درهم تنیده شوند، فراهم کند؛ بنابراین فلسفه در مدرسه، توضیح می‌دهد که چگونه هر معلم در هر موضوعی می‌تواند شیوه‌ای از تحقیق فلسفی را قبول کرده و آن را با موقعیت کلاس درس سازگار کند. فلسفه در صورتی که فعالیتی همگانی و گفت‌وگویی از جنس سقراطی آن باشد، خیلی بهتر فهمیده می‌شود تا اینکه صرفاً به عنوان یک موضوع درسی باشد که قرار است در حافظه کودک ریخته شود (قائدی، ۱۳۸۵: ۵۸۸، به نقل از اشهوگ^۴ ۱۹۹۹). از طرف دیگر، گشودگی فلسفی، پرسشگری و شگفت‌زدگی از دنیا خصوصیات انسانی که اغلب، قابل تردید نیستند و حتی تحسین برانگیز و جامعه‌سازند - ممکن است سطحی و حتی نامولد و بی‌فراورده باقی بمانند مگر اینکه از بصیرت دیالکتیکی سقراط سرچشمه بگیرند: «من می‌دانم چیزی نمی‌دانم». این تواضع عقلانی سقراط، خودش یک حقیقت است و مختص به معلم، بزرگسال یا کودک نیست. اعتبار و ارزش آن برای همه در هر زمان و مکانی مساوی است (قائدی، ۱۳۹۵: ۳۵؛ قائدی، ۱۳۸۵: ۵۸۸-۵۸۹). لیپمن معتقد است که می‌توان فلسفه را از نوبه شکلی طراحی کرد که به کودکان پرشور و مشتاق، خوشامد بگوید و برای طبع آن‌ها پذیرفتنی باشد و برنامه درسی نیز به شکلی طراحی شود که بتواند از فلسفه، به خوبی استقبال کند (Davi es & MacIure, ۱۹۹۱؛ رشیدپور و قدمیاری، ۱۳۹۵: ۸؛ قائدی، ۱۳۹۵، به نقل از مک لوری و دیویس، ۱۹۹۱).

معنای فلسفه در برنامه «فلسفه برای کودکان»

شنیدن عبارت (فلسفه برای کودکان)، برای نخستین بار، ممکن است سبب بروز شگفتی و سوء فهم شود، زیرا فلسفه اغلب یادآور سخنان سنگین انتزاعی و دشوار فیلسوفان درباره مسائلی چون هستی، ماهیت انسان، ماهیت معرفت، چرایی ارزش‌ها و... است و کودک یادآور انسانی بازی گوش، روبه‌رو شد و ناتوان از فهم چنین مسائل دشواری از همین روست که در نخستین گام، روشنگری پیرامون معنای فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان ضرورت می‌یابد. فلسفه، در برنامه فلسفه برای کودکان، به معنای سنتی آن، یعنی آموزش دیدگاه‌های فیلسوفان تاریخ فلسفه همچون افلاطون، ارسطو، کانت، ابن‌سینا، ملاصدرا و... به کودکان و دانش‌آموزان نیست؛ بلکه به روش و رویکرد آموزشی خاصی اشاره دارد که دانش‌آموزان در آن، فعالانه، مهارت‌های سطحی بالای تفکر و گفت‌وگو را می‌آموزند.



چنانکه می‌توانند معنای ژرف‌تر مباحث درسی‌شان را دنبال کنند و در مورد پرسش‌های مهم زندگی خود تأمل و فلسفه‌ورزی کنند (باری دهنوی، ۱۳۹۴: ۱۵-۲۰).

سعید ناجی پیشگام بحث فلسفه برای کودکان، معتقد است لیپمن، معنا و نقش فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان را روشی می‌داند که می‌توان، به کمک آن، به کودکان آموزش داد. آنچه فلسفه برای کودکان نامیده می‌شود تلاشی است برای بسط معنای فلسفه، با این هدف که بتوان آن را همانند نوعی آموزش به کاربرد. این فلسفه آموزشی است که در آن از فلسفه ورزی^۵ برای واداشتن ذهن کودک به کوشش در جهت پاسخ‌گویی به نیاز و اشتیاقی که به معنادار بهره برده می‌شود (ناجی، ۱۳۹۳: ۲۳-۴۹). علی ستاری در پژوهشی که در این زمینه انجام داده است معتقد است که؛ منظور لیپمن از جانشین کردن این روش در آموزش، جانشین کردن روش گفت‌وگویی^۶ و استدلالی فلسفه به جای روش‌های مرسوم یک‌جانبه و تک‌گویی^۷ تعلیم و تربیت سنتی همچون سخنرانی در آموزش است (ستاری، ۱۳۹۱: ۶-۲۰).

ل لیپمن، در نگاه نخست، از فلسفه به‌مثابه روشی در آموزش تفکر به کودکان بهره جست. بعدها، مروجان^۸ دیدگاه او روش موردنظر را همچون رویکرد آموزشی جدیدی در آموزش کل محتوای برنامه درسی مطرح کردند؛ یعنی، آن‌ها تلاش دارند تا همه مواد درسی همچون ریاضی، فیزیک، شیمی و... را بر اساس روش لیپمن به کودکان و دانش‌آموزان آموزش دهند. چگونگی آموزش و اداره کلاس درس، بر اساس این روش و رویکرد آموزشی؛ اما مگر نه این است که هر برنامه آموزشی و تربیتی اهدافی را در نظر دارد (ناجی، ۱۳۹۳: ۲۹-۴۳).

مهارت‌های عمومی مربیگری فلسفه برای کودکان

۱) فلسفه برای کودکان نیازمند معلمانی با باورهای نو است.

باورها ساختارهایی پویا هستند که هنگام روبرویی با تجربیات و دانش جدید مانند فیلتر عمل می‌کنند. باورهای معلمان از اهداف، ارزش‌ها و اعتقاداتی ناشی می‌شود که درباره محتوا و روند تدریس دارند. درک فرد از سیستم آموزشی که در آن کار می‌کند و نقشی که در آن دارد نیز در شکل‌دهی به باورهای او نقش مهمی ایفا می‌کند. هنگامی که باورهای جدید آموزشی روبه‌رو می‌شوید، باید بتوانید باورهای قدیمی خود را تغییر دهید و بپذیرید که آنچه تاکنون انجام داده‌اید دیگر روش اتکاپذیری نیست. اگر از آموزش معمولی به‌سوی آموزش مبتنی بر کنکا و حرکت کنیم، باید بتوانیم باور خود را تغییر دهیم و این روش را بپذیریم و مطمئن باشیم که این نوع آموزش می‌تواند دانش‌آموزان را به نیروهای قدرتمندی تبدیل کند که می‌توانند برای خود فکر کنند. آموزش‌های مدرسه بر روش‌های آموزش سنتی تأکید دارند، درحالی‌که باید بتوان باور کرد که تعلیم و تربیتی که هدفش استدلال و قضاوت است با آموزش‌های متداول متفاوت است. در اشاره به باورهای سنتی در تدریس می‌توان به اداره کلاس به‌صورت معلم محور، اشتیاق معلم برای سکوت دانش‌آموزان،

^۵-Doing Philosophy

^۶- Dialogical

^۷- Monological

^۸- Marojan



تکیه بر محفوظات، استقبال نکردن از پرسشگری، تشویق دانش‌آموزان قوی و نادیده گرفتن دانش‌آموزان ضعیف، تک‌صدایی معلم، تحمیل ایده‌ها و تحمل نکردن ایده‌های دانش‌آموزان اشاره کرد (رشتچی، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵).

۲) فلسفه برای کودکان معلمان با نگرش مثبت می‌خواهد.

نگرش مثبت را می‌توانیم مترادف عشق و علاقه به کار معلمی بدانیم. خطوط چهره و حرکات بدنی شما نشان‌دهنده نوع نگرش شما به شغلان است. آیا معلمی هستید که هنگام تدریس سر جای خود می‌ایستید یا به راحتی در کلاس حرکت می‌کنید و با دانش‌آموزان ارتباط کلامی برقرار می‌کنید؟ دانش‌آموزان را چگونه خطاب می‌کنید؟ آیا به آن‌ها لب‌خند می‌زنید یا فکر می‌کنید اگر معلم لب‌خند بزند نمی‌تواند کلاس را اداره کند؟ فکر می‌کنید تا چه حد شوق یادگیری و انگیزه دانش‌آموزان با رفتار معلم مرتبط است؟

فهم عاطفی یکی دیگر از مشخصه‌های معلمی است که دارای نگرش مثبت است. شما باید بتوانید پیش از تصمیم‌گیری خود را به جای دانش‌آموزان بگذارید و تجربه‌آموزشی خود را به یادآورید. یکی از راه‌کارهای مفیدی که می‌تواند در معلمان نگرش مثبت به وجود بیاورد آن را افزون کند یادآوری دوران تحصیل است. تجربه معلم در نقش یادگیرنده می‌تواند تأمل‌برانگیز باشد. مثلاً، اگر معلمی بتواند به یاد بیاورد بدترین یا بهترین روش آموزشی یا رفتاری که تجربه کرده چه بوده است، می‌تواند در انتخاب روش‌های رفتاری و آموزشی با دقت بیش‌تری عمل کند. عامل دیگری که در افزایش نگرش مثبت حائز اهمیت است استفاده از تجربیات همکاران است. بر اساس تجربه می‌توان دریافت چه راه‌کارهایی مناسب و چه روش‌هایی نامناسب‌اند (رشتچی، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۷). آلبرت بندورا^۹ نظریه خود کارآمدی معلم را که نتیجه وجود چند عامل است، مطرح کرده است. نظریات بندورا به‌طور مستقیم با روش تدریس و رفتارهای کلاسی معلمان در ارتباط است و حاوی نکات بسیار مهمی است.

۳) معلم فلسفه برای کودکان باید منصف و نوع‌دوست باشد.

لیپمن معتقد است توجه به نظریه هوش‌های متعدد گاردنر روند تعلیم و تربیت را انسانی و منصفانه می‌کند (M Lipman, ۲۰۰۳). دانستن اینکه کلاس فلسفه برای کودکان ممکن است از دانش‌آموزانی تشکیل شود که از انواع هوش در سطح بالا، متوسط و یا ضعیفی برخوردار باشند بسیار مهم است، زیرا موجب می‌شود آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نکند و مطمئن باشد که هر کودک می‌تواند در زمینه متفاوتی توانایی داشته باشد. اینکه دانش‌آموزان می‌توانند در یک یا چند زمینه باهوش باشند می‌توانند نحوه برخورد شما با دانش‌آموزان را تغییر دهد. مثلاً قوی بودن دانش‌آموزی در ریاضیات دلیل توانایی او در کارهای گروهی نیست. اگر بتوانید توانایی‌های ویژه و برجسته هریک از شاگردان خود را بیابید، کار بسیار ارزشمندی انجام داده‌اید؛ چون از هر دانش‌آموز به اندازه توانایی‌اش در یک زمینه خاص انتظار خواهید داشت (رشتچی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۴).

جدول ۱. مهارت‌های عمومی تسهیل گر فلسفه برای کودکان

ردیف	مهارت‌های عمومی تسهیل گر فلسفه برای کودکان
------	--

^۹- Albert Bandura



۱	تسهیل گر با باورهای نو
۲	تسهیل گر با نگرش‌های مثبت
۳	تسهیل گر منصف نوع دوست

مهارت‌های اختصاصی تسهیل گر فلسفه برای کودکان

۱) پای بندی به تفکر تأملی

ابتدا باید برایمان روشن شود که چه نوع تفکری را می‌خواهیم آموزش دهیم. بسیاری از مهارت‌هایی که در دوره ابتدایی آموزش داده می‌شوند مهارت‌ها و ادراکاتی عادی‌اند. برای مثال، یادگرفتن جمع و تفریق یا جدول ضرب در حیطه کسب مهارت‌ها و ادراکات عادی است. تفکری که در آموزش فلسفه برای کودکان موردنظر است تفکری است که هنگام اجرای برخی مهارت‌ها به نحوه اجرای آن‌ها فکر می‌کنیم و سعی می‌کنیم آن‌ها را خوب انجام دهیم. این تفکر را تأملی می‌نامیم؛ تفکر تأملی نوعی از تفکر است که در مسیر خود از نقطه‌ای حول یک موضوع خاص شروع می‌شود، از مسیر خود منحرف نمی‌شود و در انتها به انجام دادن کاری یا حل مسئله‌ای یا یافتن راه‌حلی ختم می‌شود. تفکر تأملی جان دیویی اساس دیدگاه یادگیری فلسفه برای کودکان را تشکیل می‌دهد و آن را وارد حیطه آموزش تفکر به کودکان کرده است. تفکر تأملی در مقابل تفکر عادی قرار دارد و این گونه تعریف می‌شود: «نظر گرفتن فعال، مستمر و دقیق هر اعتقاد یا شکل خاصی از دانش در سایه اصولی که آن را پشتیبانی می‌کند و نتایج بعدی که به وجود می‌آورد». در این تعریف عمل مستمر کندوکاو موردنظر است و منظور عملی است که در آن فکر دارای نظم است و می‌تواند با دقت قضاوت کند. پرسش‌ها می‌توانند تفکر را برانگیزند، زیرا پیش‌فرض ما این است که کودکان فکر نمی‌کنند، مگر چیزی باشد که درباره‌اش فکر کنند و آن چیز یک مسئله است؛ اما این مسئله باید واقعی باشد و کودکان وجود آن را حس کنند؛ بنابراین، برای انتخاب مسئله باید به زندگی روزمره کودکان توجه کنیم. پرسش‌هایی در فلسفه برای کودکان موردنظرند که کودکان بتوانند با استفاده از تجربیات روزمره خود وارد گفت‌وگوی کلاسی درباره آن‌ها شوند. موضوع گفت‌وگوی کلاسی باید موضوع درس باشد و این موضوع باید مسئله‌ای باشد که از تجربه کودک برمی‌خیزد. میزان موفقیت معلم به توانایی وی در بیان موضوع درس در قالب تجربه کودکان بستگی دارد (رشتچی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۱).

۲) پای بندی به اصل حرکت و پیشروی در یاددهی و یادگیری

یادگیری یک اتفاق است؛ یعنی وقوع مجموعه‌ای از عوامل ممکن است به یادگیری بینجامد. برای اینکه معلم خوبی باشیم باید بدانیم آن عوامل چیست‌اند و چگونه می‌توانیم وقوع آن‌ها را تسهیل کنیم. در مورد آموزش کودکان، باید به خاطر داشته باشید که هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند مفاهیم می‌توانند جزئی‌تر و دقیق‌تر شوند. پس ممکن است درباره همان مطلبی که در کلاس اول بحث کرده‌اید، در کلاس دوم هم گفت‌وگو کنید؛ با این تفاوت که در کلاس دوم با جزئیات بیشتر و دقیق‌تری موضوع را کنکاش



می‌کنید. هدف کلی این است که بتوانید به رأس هرم برسید. برونر^{۱۰} این نوع آموزش را برنامه درسی مارپیچ^{۱۱} می‌نامد که به نظر آزوبل که در مقابل برنامه درسی مرتبه‌ای قرار دارد، بسیار نزدیک است (رشتچی، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۷).

۳) پای بندی به ایجاد رفاقت به جای رقابت

نکته مهمی که در تعریف یادگیری باید به آن توجه داشت، نقش عوامل محیطی است که یادگیری را تسهیل می‌کند و به آن معنا می‌دهد؛ بنابراین، ایجاد شوق و انگیزه در دانش‌آموزان و فراهم آوردن محیط دوستانه در کلاس (بین دانش‌آموزان و بین دانش‌آموزان و معلم) نقش بسیار مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند. ایجاد ترس و اضطراب آمادگی کودکان را برای یادگیری از آنان سلب می‌کند و مانع وقوع یادگیری می‌شود. برای حرکت از حفظ مطالب به سوی یادگیری معنادار باید تجربه یادگیری کودک را در محیط به فرایندی دل‌پذیر تبدیل کنید. رعایت چند نکته برای ایجاد محیط دوستانه در کلاس می‌تواند در این موارد راه گشا باشد:

لحظه ورود معلم به کلاس همیشه برای دانش‌آموزان سخت است، زیرا آن‌ها را از بازی با دوستان بازمی‌دارد. توقع نداشته باشید که در لحظه ورود شما یک‌باره همه ساکت شوند، چند دقیقه فرصت دهید و سپس کلاس را شروع کنید. سلام و احوال‌پرسی جمعی شما، فرصت لازم را به کودکان می‌دهد تا برای شروع کلاس آمادگی لازم را پیدا کنند؛ چنانچه در بین فعالیت‌های کلاسی متوجه خستگی یا بی‌حوصلگی دانش‌آموزان شدید، دقت کنید چند دقیقه سکوت شما و رها کردن کودکان به حال خود می‌تواند دانش‌آموزان را به کلاس بازگرداند. گاهی لازم است فرصت دهید باهم صحبت کنند؛ برای ایجاد و تداوم جو دوستانه، هرگز دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه نکنید، زیرا این کار تضادها و تفاوت‌ها را پررنگ‌تر می‌کند. وظیفه شما تأکید بر شباهت‌های بین دانش‌آموزان و پرهیز از بزرگ‌نمایی تفاوت‌هاست؛ سعی کنید توجه خود را بین دانش‌آموزان تقسیم کنید؛ به شکلی که دانش‌آموزان به یک اندازه شامل تشویق‌ها و ترغیب‌های شما بشوند (رشتچی، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۰).

۴) پای بندی به مسئله‌گشایی و یادگیری اکتشافی

دیویی دانش‌آموزان را موجوداتی می‌داند که از بدو تولد کنجکاو و مواجهه با جهان اجتماعی آنان را کم‌کم به مراتب بالاتر می‌رساند. او کار خود را بر حیطه تفکر و یادگیری کودکان در سنین دبستان متمرکز می‌کند و معتقد است که یادگیری خوب فکر کردن باید هدف اصلی تعلیم و تربیت دوره ابتدایی تلقی شود. به نظر او، روش‌های مبتنی بر همیاری^{۱۲} و مسئله‌گشایی^{۱۳} بهترین شکل آموزش بخصوص آموزش مسائل اجتماعی‌اند. مسئله‌گشایی چهارچوب آموزشی فلسفه برای کودکان است و مدل حل مسئله دیویی یکی از مدل‌های خلاق این حیطه است. به نظر دیویی، مسئله‌گشایی در پنج مرحله منطقی انجام می‌شود. ابتدا مشکل حس می‌شود؛ سپس پس از تعیین، چهارچوب تعریف می‌شود؛ در گام سوم، راه‌حل‌های مناسب در نظر گرفته می‌شوند؛ در مرحله بعد، پیامدهای هریک از این راه‌حل‌ها سبک و سنگین می‌شود؛ و در مرحله آخر یکی از راه‌حل‌ها انتخاب می‌شود. البته روند مسئله‌گشایی دیویی به شکل روزآمد شده است:

¹⁰- Browner

¹¹- Cyclical or Spiral

¹²- Cooperation

¹³- Problem Solving



کودک را تشویق کنید احساس خود را بیان کند؛ مثلاً «حوصله ندارم».

از کودک بخواهید احساسش را به صورت یک عبارت بیان کند: «من حوصله ندارم، چون با مهسا قهرم». به کودک کمک کنید در مورد هدفی تصمیم بگیرد: «نمی‌خواهم مهسا با من قهر باشد». به او پاسخ ندهید، بلکه کمک کنید تا راه‌حل‌های خود را مطرح کند: «می‌توانم از او پیش‌دستان دیگر بدگویی کنم یا می‌توانم سر او داد بکشم».

از کودک بخواهید پیامدهای هریک از کارهایی را که می‌خواهد انجام دهد پیش‌بینی کند: «اگر از مهسا پیش‌دستان بدگویی کنی چه خواهد شد؟»؛ «او هم از من پیش‌دستان بدگویی می‌کند یا او هم سرم داد می‌کشد».

کمک کنید که کودک در مورد بهترین راه تصمیم بگیرد، اما اگر دیدید رویکرد نامناسبی را اتخاذ می‌کند، بدون اینکه خلاقیت او را سرکوب کنید، نظر بدهید و برای این کار، پیش از اینکه او تصمیم بگیرد، اقدام کنید.

به کودک کمک کنید تا برای اجرای تصمیمش برنامه‌ریزی کند. همچنین، کمک کنید مشکلاتی را که ممکن است در راه اجرای تصمیمش با آن‌ها مواجه شود پیش‌بینی کند، از او بپرسید: «چه چیزی ممکن است سبب شود داد زدن سر مهسا فایده‌ای نداشته باشد؟» کودک می‌تواند مشکلات متحمل را پیش‌بینی کند کمتر به واسطه وقوع مشکلات دلسرد می‌شود.

به کودک کمک کنید راه‌حلش را بیازماید و نتایج آن را ارزیابی کند. از او بخواهید به شما بگوید سرانجام کار به کجا رسید (رشتچی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۲).

می‌توان آنچه را که ذکر شد، به صورت جدول شماره ۲ ترسیم کرد:

جدول ۲. موارد روند مسئله‌گشایی دیویی^{۱۴}

ردیف	موارد روند مسئله‌گشایی دیویی
۱	ابزار احساس از وجود یک مسئله
۲	صورت‌بندی یک مسئله
۳	صورت‌بندی هدف
۴	طرح فرضیه
۵	پیش‌بینی پیامدها
۶	انتخاب راه‌حل‌های متفاوت
۷	برنامه‌ریزی برای اقدام مناسب



ارزیابی نتایج	۸
---------------	---

به نظر می‌رسد عبور از این مراحل هشتگانه روش مناسبی برای رفتارهای عقلانی باشد (ناجی، ۱۳۹۳: ۳۵). یکی از روش‌هایی که لیپمن، برای آموزش تفکر و نگارش از آن استفاده می‌کند استفاده از شعر در کلاس‌هاست که می‌تواند موضوع گفت‌وگوی فلسفی باشد. می‌توان از دانش‌آموزان خواست پس از خواندن شعر مطلبی بنویسند و یا پرسشی مطرح کرد که پاسخ آن را با توجه به ایده‌های شعر بدهند. نگارش نقش مهمی در رشد تفکر دانش‌آموزان دارد و می‌توان از آن به‌مثابه فعالیت جانبی نیز استفاده کرد.

(۵) پای بندی به اصل دانش‌آموز محوری و یادگیری مشارکتی

لازم است بین فعالیت‌های آموزشی عادی و تأملی تمایز قائل شویم. فعالیت آموزشی عادی کاری معمول، از روی عادت، سنتی و غیر تأملی است، درحالی‌که تأمل و کندوکاو اجزای جدایی‌ناپذیر فعالیت آموزشی موردنظر ما در آموزش فلسفه برای کودکان است. تغییر رفتارهای آموزشی، کار آسانی به نظر نمی‌رسد، اما یکی از بایدهای آموزش فلسفه به کودکان است (ناجی، ۱۳۹۳: ۳۶).

جدول ۳. مهارت‌های اختصاصی تسهیل گر فبک

ردیف	مهارت‌های اختصاصی تسهیل گر فبک برای کودکان
۱	پای بند به تفکر تأملی
۲	پای بند به اصل حرکت و پیش روی در یاددهی و یادگیری
۳	پای بند به ایجاد رفاقت به جای رقابت
۴	پای بند به مسئله‌گشایی و یادگیری اکتشافی
۵	پای بند به اصل دانش‌آموز محوری و یادگیری مشارکتی

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه امروزه اندیشه و تفکر و کندوکاو ذهنی در بین آدمی جایگاه ویژه‌ای دارد و از گذشته بیشتر به آن بهاداده می‌شود، فلذا باید این کندوکاو ذهنی را که جایگاه خاصی دارد را از سنین پایین به کودکان آموزش پذیر، آموزش داد تا یاد بگیرند که در مواقع دوراهی چپ و راست و مثبت و منفی به اندیشیدن بپردازند. این جز از طریق یادگیری اصلی و اساسی فلسفه امکان‌پذیر نیست. یاددهی فلسفه به کودکان نیازمند مربیانی توانمند در این زمینه است تا بتوانند به شیوه صحیح جایگاه آن را در بین کودکان جا انداخته و روش فلسفی دن را به آن‌ها یاد دهد. خود این مربیان نیز باید در آموزش فلسفه برای کودکان دادی مهارت‌های عمومی و اختصاصی خاصی باشند که در نوشتار حاضر ما به کندوکاو ارائه این مهارت‌های عمومی و اختصاصی پرداختیم که به ترتیب هر کدام از این مهارت‌ها عبارت‌اند از:



دومین جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری (رض)

۱) مهارت‌های عمومی در مربیگری فلسفه برای کودکان؛

الف) مربی با باورهای نو

ب) مربی با نگرش‌های مثبت

ج) مربی منصف و نوع‌دوست

۲) مهارت‌های اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان؛

الف) پای بند به تفکر تأملی

ب) پای بند به اصل حرکت و پیش روی در یاددهی یادگیری

ج) پای بند به ایجاد رفاقت به جای رقابت

د) پای بند به مسئله‌گشایی و یادگیری اکتشافی

ه) پای بند به اصل دانش‌آموز محوری و یادگیری مشارکتی



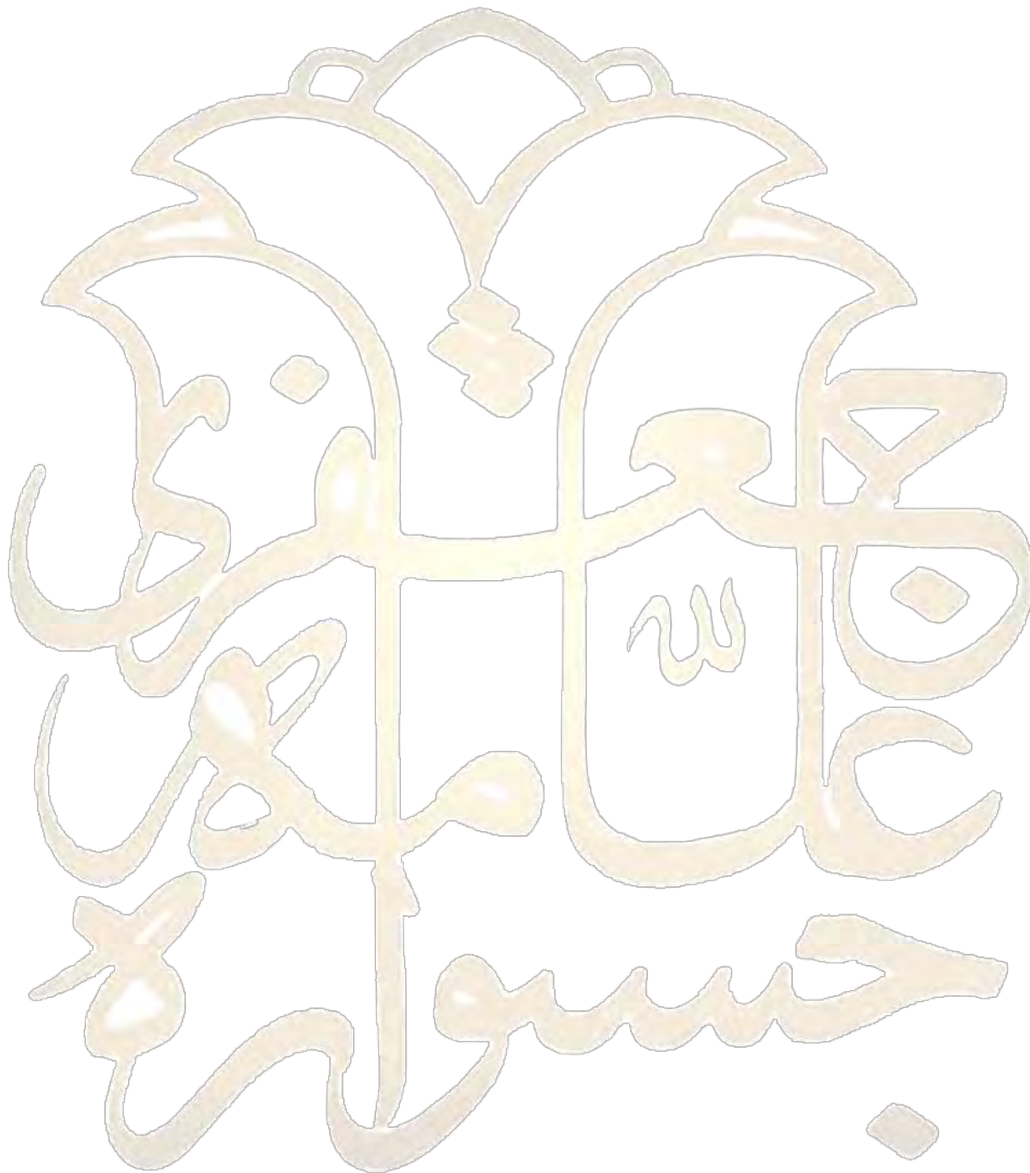


منابع

- حاتمی، حمیدرضا؛ کریمی، یوسف؛ و نوری، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» P4C در افزایش هوش هیجانی دانش آموزان دختر مقطع اول راهنمایی مدرسه شهدای آزادی تهران در سال تحصیلی ۸۸ - ۸۹». تفکر و کودک، جلد ۲، شماره ۱، صص ۳-۲۲.
- رشتچی، مژگان. (۱۳۹۴). اصول تسهیل گری و ویژگی های تسهیل گر حلقه کندوکاو / مجموعه آموزش مربی، فلسفه برای کودکان و نوجوانان / ۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رشیدپور، رکسانا؛ و قدمیاری، معصومه. (۱۳۹۵). «ضرورت بکارگیری ادبیات داستانی ایرانی - اسلامی در محتوای برنامه فلسفه برای کودکان». مقاله ارائه شده در همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، شیراز - ایران: دانشگاه شیراز.
- ستاری، علی. (۱۳۹۱). «بررسی و نقد برنامه فلسفه برای کودکان از منظر حکمت متعالیه». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۳، شماره ۶، صص ۸۳-۱۰۶.
- صادقی هاشم آبادی، محمد؛ و علوی، محمدکاظم. (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان». اسلام و پژوهش های تربیتی، جلد ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲).
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۶). «بررسی بنیادهای نظری برنامه درسی فلسفه برای کودکان از دیدگاه فیلسوفان عقل گرا». مطالعات برنامه درسی، جلد ۲، شماره ۶، صص ۲۱-۵۰.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۵). «برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره ابتدایی». در مجموعه مقالات همایش نوآوری در برنامه درسی در دوره ابتدایی. همایش نوآوری در برنامه های درسی دوره ابتدایی، شیراز، دانشگاه شیراز. شیراز - ایران: انجمن مطالعات درسی ایران.
- قائدی، یحیی. (۱۳۹۵). مبانی نظری فلسفه برای کودکان. تهران: مرآت.
- مهرگان، فرانک؛ سرمدی، محمدرضا؛ و مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۸۸). «فلسفه برای کودکان، با توجه به سبک لیپمن و فیشر». پژوهش های تربیتی، جلد ۱۷-۱۸، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ناجی، سعید. (۱۳۹۳). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (جلد اول) گفت و گو با پیشگامان انقلابی نو در تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ناجی، سعید؛ قاضی نژاد، پروانه. (۱۳۸۶). «بررسی نتایج برنامه ی فلسفه برای کودکان روی مهارت های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان». مطالعات برنامه درسی، جلد ۷، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۵۰.
- هدایتی، مهرنوش؛ قائدی، یحیی؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ و یونسی، غلامرضا. (۱۳۸۹). «کودکان متفکر روابط میان فردی مؤثر مطالعه تحقیقی پیرامون تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر ارتباطات اجتماعی کودکان». تفکر و کودک، جلد ۱، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- یاری دهنوی، مراد. (۱۳۹۴). مجموعه: آموزش مربی فلسفه برای کودکان و نوجوانان (درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



- Davies, Peter; & Maclure, Stuart. (1991). *Learning to Think: Thinking to Learn*. (S. Maclure, Ed.) (1991 edition). Oxford ; New York: Emerald Group Publishing Limited.
- man, Mathew. (1991). *Thinking in education*. England: Cambridge University Press.
- Lip man, Mathew; & Najj, Saeed. (2003). *Philosophy for Children*. Retrieved from [http://www. Buf. Ano/en](http://www.Buf.Ano/en)





Examining public and specific skills in the coaching of philosophy for children

Abstract

In the present study, the most important skills in the philosophy for children education as a new method in Iran, which are needed by educators and facilitators of philosophy for children, have been studied as a general and specific skill in coaching philosophy for children. The research method is a combination (descriptive, analytical) based on a library method that studies the analysis of general and specific skills. The basic question is: What skills does the instructor of philosophy teach for children? The results show that the main public skills for coaching philosophy for children are facilitators with new beliefs, facilitators with positive attitudes and factional and altruistic facilitators, as well as for the coaching of children's philosophy (Fabak) Five skills are required, namely, the attachment to reflection thinking, the attachment to the principle of movement and the advance in teaching and learning, the commitment to the creation of comradeship rather than competition, the commitment to problem solving, exploratory learning and ultimate skill, the commitment to The core of student learning and participatory learning. Also, those who develop a pedagogue training philosophy for children, put these skills at the heart of their work, and instilling these skills in these individuals in selecting the most suitable and capable people to coach the philosophy for children.

Key word: Philosophy, Children, Fabak, Skills, Coach, Education



اطلاعات تکمیلی اثر ارسالی

عنوان اثر: واکاوی مهارت های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان

نویسندگان و مولفین: فرزین جواهری

محل انجام: دانشگاه فرهنگیان کردستان، پردیس شهید مدرس سنندج

محور موضوعی اثر (اثر در چه حوزه ای از علوم انسانی و اسلامی قرار دارد، به بخش محورهای آثار در وبگاه جشنواره مراجعه نمایید): فلسفه

محور کلی ارائه اثر (کتاب، پایان نامه، طرح پژوهشی، مقاله، رساله و ... مشخص شود): مقاله

سال دفاع و یا ارائه و یا چاپ اثر: ۱۳۹۸

تعداد مقالات مستخرج (چنانچه اثر ارسالی از نوع طرح، پایان نامه، رساله و یا کتاب باشد):

توضیحات بیشتر در مورد اثر ارسالی (در چند خط): این اثر مقاله و چاپ شده در مجله می باشد که به واکاوی مهارت های عمومی و اختصاصی در مربیگری فلسفه برای کودکان پرداخته است و نویسنده آن فرزین جواهری می باشد.